



مهلت خداوند به صهیونیست‌ها برای افزایش عذاب آنان است

استاد درس خارج حوزه علمیه با بیان اینکه خداوند به دشمنان لجوج مهلت می‌دهد تا بر عذاب آنان بیفزاید گفت:

استاد درس خارج حوزه علمیه با بیان اینکه خداوند به دشمنان لجوج مهلت می‌دهد تا بر عذاب آنان بیفزاید گفت: امروز در غزه و یمن شاهدیم چگونه جرم و جنایت و ظلم می‌کنند ولی خداوند تاکنون آنان را عذاب نکرده است ولی قطعاً مشمول عذاب الهی خواهند شد اگر توبه نکنند و ریشه آنان را از جا خواهند کرد.

مهدی هادوی تهرانی به گزارش ایکنّا، آیت الله مهدی هادوی تهرانی؛ استاد درس خارج حوزه علمیه، ششم اردیبهشت در ادامه سلسله جلسات تفسیر با بیان اینکه در روز قیامت همه مردم از ابتدا تا انتهای تاریخ گردهم خواهند آمد و همه هم این روز را می‌بینند، گفت: در این روز مردم دو دسته هستند؛ گروهی شقی و دیگری سعید؛ شقی داخل جهنم خواهند شد و در آن خالد هستند؛ گفته شد که مراد از ما دامت السموات الارض در این آیه «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ قَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» هم سماوات و ارضی است که در آخرت پدید می‌آید و هرگز از بین نخواهد رفت برعکس آسمان و زمین کنونی که در آستانه قیامت و با نفخه صور از بین خواهد رفت.

ادامه سخنان وی به شرح زیر است:

الا ما شاء ربك، در آیه «وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوذٍ» در عرصه جهنم، ناظر به این است که یکسری از افراد ممکن است به خاطر شفاعت و یا برخی کارهای خیری که خودشان یا اطرافیان برای او فرستاده اند یا برخی عقاید درست از آتش بیرون بیایند و الا ما شاء ربك در ناحیه سعدا هم ناظر به همان افرادی است که در جهنم به صورت موقت بوده و از آن بیرون آمده اند یا به تعبیر علامه طباطبایی یعنی اگر خدا بخواهد می‌تواند افرادی را از بهشت بیرون کند ولی نمی‌کند.

در ادامه خطاب به پیامبر(ص) فرمود فلا تک فی مریه «قَلَّا تَلُكُ فِي مَرِيَّةٍ مِّمَّا يَعْْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ» وَاَلَا لَمُؤَوِّهِمْ تَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ» یعنی در شک و تردید نباش؛ شیخ طوسی معتقد است مریه یعنی شک ولی علامه معتقد است از شک فزاتر است. در مورد هولاء دو تفسیر وجود دارد؛ یکی اقوام قبلی مانند هود و صالح و شعیب و ... ولی برخی همین جماعت مخاطب پیامبر(ص) یعنی کفار را گرفته اند و بعد هم خداوند توضیح داده است شک نکن که آنچه این‌ها غیر از خدا می‌پرستند باطل است زیرا این‌ها همان چیزی را می‌پرستند که آباء آنان قبلاً می‌پرستیدند که البته بر همان اقوام قبل هم صدق دارد زیرا به شعیب گفتند ما به خاطر تو از دین آباء و اجدادی خودمان دست برداریم. بنابراین ظاهراً مفهوم هولاء کلی است یعنی مهمترین دلیل کفار بر حقانیت عقیده آنان عمل اجداد آنان به بت پرستی است.

این استدلال شبیه آن است که وقتی از برخی می‌پرسیم شما به چه دلیلی فتوا بر این موضوع می‌دهید می‌گویند چون همه می‌گویند ولی به تعبیر یکی از بزرگان، آیا این دلیل می‌شود؟ ممکن است همه اشتباه کنند ضمن اینکه معلوم نیست همه گفته باشند بلکه اکثریت گفته اند و ما تصور می‌کنیم همه گفته اند مضاف بر اینکه اکثریت در یک دوره چنین فتوایی داده اند نه در طول تاریخ ولی دلیلی برای شرایط امروز نیست مانند اجازه رشیده باکره از پدر برای ازدواج، حرف متاخرین است و فتوا هم نیست بلکه احتیاط است و در دوره علامه حلی مشهور بر این بود که نیاز به اذن ندارد.

پرستش چیزی نیازمند دلیل متقن است

بنابراین «مَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ»؛ خداوند فرموده است اینکه قبل از شما یک غلطی می‌کردند دلیلی بر درست بودن نیست که شما هم انجام دهید و باید دلیل و منطقی برای یک کار باشد؛ شیخ می‌گوید پیامبر شک نمی‌کند بلکه این امت پیامبر(ص) هستند که گرفتار شک می‌شوند. در ادامه فرموده است: وَاَلَا لَمُؤَوِّهِمْ تَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ؛ ما نصیب اینان را کاملاً به آنان خواهیم داد یعنی حق آنان که عذاب است بدون کاستی به آنان داده خواهد شد و جزا خواهند دید به گونه ای که ذره ای از آن کم نشود.

در اینجا باید این نکته را بگوییم که ما پیامبر(ص) را با اینکه از نظر جسمی مانند ما هست عادی می‌دانیم ولی در عین حال عادی نیست و معصوم است؛ پیامبر(ص) اگر بخواهد چیزی را بداند همین که اراده می‌کند می‌داند بنابراین شک حضرت ولو اینکه وجود هم داشته باشد مانند شک ما نیست چون به محض طلب علم به او عطا می‌شود بنابراین بیشتر ناظر به امت ایشان است.

در آیه ۱۱۰ فرموده است: وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ قَاحْثِلَفَ فِيهِ ۚ وَلَوْ لَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ؛ ما به موسی کتاب دادیم که مقصود همان تورات است؛ البته تورات در عهد عتیق و کتاب مقدس مسیحیان هم وجود دارد؛ مسیحیان عهد عتیق و عهد جدید دارند که یکی از کتب عهد عتیق، تورات است؛ فصول در تورات به عنوان صفر است و دین شناسان معاصر می گویند توراتی که امروز وجود دارد همگی برای دوران موسی(ع) نیست بلکه بعدا مطالبی بر تورات موسی(ع) افزوده شده است؛ اشاره قرآن کریم به تورات همان تورات تحریف نشده است.

خدا فرمود ما به موسی، کتاب و دلیل روشن دادیم ولی در آن اختلاف کردند. شیخ طوسی می گوید این حرف را خداوند برای دلگرمی به پیامبر(ص) فرموده است یعنی اگر امروز هم قرآن را برخی نپذیرند در گذشته هم در مورد کتب انبیاء قبل گرفتار اختلاف شدند.

اسرائیل عذاب جنایات خود در غزه را خواهد چشید
در ادامه هم فرموده است: وَلَوْ لَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ؛ اگر آن سخنی که خداوند فرموده است خداوند در بین آنان قضاوت کرده و ریشه آنان را برمی کند ولی چون سنت الهی، مهلت دادن است و در طول تاریخ هم وجود داشته است بنابراین خداوند به آنان مهلت می دهد که اگر توبه نکردند بر گناهان و عذابشان بیفزاید؛ امروز در غزه و یمن شاهدیم چگونه جرم و جنایت و ظلم می کنند ولی خداوند تاکنون آنان را عذاب نکرده است ولی قطعا مشمول عذاب الهی خواهند شد اگر توبه نکنند و ریشه آنان را از جا خواهند کرد.

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ؛ این جماعت در شک و ریب هستند که ریب شک سنگین به تعبیر شیخ طوسی است. در ادامه آیات هم فرموده است که قرآن هدی للمتقین است و برخی خودشان نمی خواهند که هدایت بشوند به تعبیر یکی از دوستان ما می فرمود من امروز هر قدر تلاش کردم دانشجویان بفهمند تصمیم گرفته بودند نفهمند؛ خداوند فرموده است سنت این بوده است که برخی زیر بار حقانیت کتب و انبیای الهی نمی روند و خداوند هم بر اساس حکمت به آنان مهلت داده است.

البته طبق آیات قرآن، پیامبر(ص)، پیامبر رحمت است و برای عذابی که به آنان خواهد رسید رنج می کشید تا جایی که خداوند فرمود تو چرا به خاطر آنان به رنج می اندازی و قصد داری خود را به هلاکت بیندازی. پیامبر(ص) فرمود من ذوالعینین هستم و برادرم موسی و عیسی دنیا را با یک چشم می دیدند؛ در روایات داریم حضرت موسی(ع) غضب زیادی داشته است و زود هم در عصیان قومش عصبی می شد به همین دلیل ریش هارون را به خاطر گرایش قومش به سامری گرفت. در مقابل، عیسی(ع) هم خیلی اهل عفو و بخشش بوده است ولی پیامبر(ص) بینابین بوده است و هم غضب و هم رحمت داشتند و البته بسیار دلسوز بودند و غصه کفار و مشرکین را می خورد و طوری نبود که بفرماید خدایا این ها چون ایمان نمی آورند پس آنان را هلاک کن. البته سنت الهی هم این است که در قیامت مشرکین و کفار را عذاب خواهد کرد.

خداوند در این سوره در چند قسمت به داستان حضرت موسی(ع) اشاره کرده است و به تعبیر شیخ طوسی این تکرار برای دلداری به پیامبر(ص) است زیرا حضرت موسی(ع) برای هدایت قومش خیلی دچار سختی و زحمت و گرفتاری شد؛ بنی اسرائیل کاری نبود که در برابر این پیامبر الهی نکنند و همیشه او را به رنج و زحمت می انداختند و بهانه می آوردند و این کارها ناشی از تردید و شک آنان در خدا و قیامت بوده است.